

پرسش‌های بی‌پاسخ پیرامون چالش‌های مدیریت در کتابخانه‌ها

اطلاعات
علوم و فناوری

فصلنامه علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا(چاپی) ۵۲۰۶-۱۷۳۵
شاپا(الکترونیکی) ۵۵۸۳-۲۰۰۸
نمایه در SCOPUS و ISC
<http://jlist.irandoc.ac.ir>
ویژه‌نامه مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی
ص ص ۱-۲ پاییز ۱۳۹۰

نظام دانشگاهی، به‌مفهوم نوین آن، در ایران پیشینه درازی ندارد. از اواخر دهه ۱۳۱۰ و بعد از تأسیس دانشگاه تهران، به‌منزله نخستین دانشگاه نوین در ایران، به‌تدریج دانشگاه‌های دیگری مانند دانشگاه تبریز و دانشگاه مشهد و دانشگاه اصفهان آغاز به کار کردند. دو موج دیگر تأسیس دانشگاه‌ها در ایران یکی از دهه ۱۳۴۰ و دیگری از دهه ۱۳۷۰ آغاز شد و طی آن تعداد دانشگاه‌های کشور افزایش یافت. اکنون در حوزه علوم پزشکی و غیرپزشکی بیش از ۱۰۰ دانشگاه وجود دارد. افزون بر آنها، تعداد قابل توجهی از مراکز دانشگاه آزاد و دانشگاه پیام نور و مؤسسه‌های آموزش عالی آغاز به کار کرده‌اند که روی هم رفته جامعه بزرگی را تشکیل می‌دهند.

بدیهی است هر یک از این دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی دارای زیرمجموعه‌ای شامل دانشکده‌های گوناگون هستند و باز بدیهی است که هر یک از این دانشکده‌ها باید دارای یک کتابخانه مناسب باشند. به‌جز دانشکده‌های دارای پیشینه دیرینه، بسیاری از دانشکده‌های جدید و نیز مؤسسه‌های آموزشی از کتابخانه مناسبی برخوردار نیستند و یا در اصل، کتابخانه‌ای ندارند. بازدیدهای نگارنده که طی ارزیابی رسمی از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی در چهار سال گذشته صورت گرفته است حاکی از آن است که بسیاری از این مراکز توجه کافی و بایسته به کتابخانه ندارند و جایگاهی برای آن قائل نیستند. فاصله کتابخانه آنها با استانداردها و شاخص‌های موجود کتابخانه‌های دانشگاهی بسیار زیاد است. دلایل زیادی برای این وضعیت نابسامان وجود دارد که از گستره این گفتار کوتاه بیرون است، اما نکته مهم، نگاه مدیریتی ضعیف به کتابخانه‌ها در این مراکز است.

به نظر می‌رسد که یکی از دلایل نگاه مدیریتی ضعیف به کتابخانه‌ها آن باشد که خود مدیران کنونی دانشگاه‌ها، در زمانی که دانشجو بوده‌اند به کتابخانه‌های خوب دسترسی نداشته‌اند و از این رو، خدمات بایسته‌ای را دریافت نکرده‌اند. این امر می‌تواند تأثیر منفی بر دیدگاه آنان نسبت به همه کتابخانه‌ها داشته باشد. بر همین اساس، آنها مایل نبوده‌اند امکانات لازم همچون نیروی انسانی متخصص، منابع علمی کافی، تجهیزات، و ساختمان مناسب را برای کتابخانه‌ها تأمین کنند. همچنین، آنها تمایل نداشته‌اند از اعضای هیئت علمی و کارکنان قوی برای مدیریت کتابخانه‌ها استفاده کنند. نتیجه آنکه، کتابخانه‌ها در برخی مؤسسات آموزش عالی از وضعیت اسفناکی برخوردار هستند و این وضعیت تأثیر بسیار منفی بر دیدگاه جامعه دانشگاهی پیرامون کتابخانه‌ها گذاشته است.

در حالی که به نظر می‌رسد این وضعیت در شرایط کنونی باید بهبود می‌یافت، این‌گونه نشده است. در گذشته، به دلیل نبود دانش آموخته و متخصص کتابداری در ایران، مدیران کتابخانه‌ها به‌ناچار از افراد دیگری برگزیده می‌شدند. آنها دانش تخصصی و تجربه کافی در باب کتابخانه‌ها و مدیریت آنها نداشتند و در نتیجه نمی‌توانستند کتابخانه‌های کارآمدی را برای خدمت به جامعه دانشگاهی به‌وجود آورند. اکنون با توجه به تأسیس تعداد قابل توجهی از گروه‌های آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران و وجود تعداد قابل توجهی از دانش‌آموختگان دکتری و ارشد، انتظار می‌رود که رویکرد گزینش مدیران کتابخانه‌ها تخصصی شود و این وظیفه به کتابداران متخصص سپرده شود، اما این امر به‌شکلی که انتظار می‌رود تحقق نیافته است. به نظر می‌رسد که هنوز همان دیدگاه محدود درباره کتابخانه‌ها در ذهن مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی خانه دارد. چنین رویکردی در تضاد با فلسفه آموزش عالی و دانش‌های تخصصی است. چرا در حالی که دانش‌آموختگان کتابداری و اطلاع‌رسانی تعداد زیادی واحدهای تخصصی و حتی واحدهای مدیریتی را گذرانده‌اند و بسیاری از آنان دارای تجربه‌های غنی کار در کتابخانه هستند، همچنان نادیده گرفته می‌شوند؟ چرا تفاوت کیفیت کار مدیران کتابدار با مدیران غیرکتابدار مورد توجه قرار نمی‌گیرد؟ چرا از کتابداران شاغل درباره این تفاوت نظرسنجی نمی‌شود؟ چرا تغییر پیاپی مدیران غیرکتابدار که به‌طور معمول از اعضای هیئت علمی هستند و دوره‌ای کوتاه را در پست مدیریت کتابخانه سپری می‌کنند، مورد اعتراض واقع نمی‌شود؟

این پرسش‌ها سال‌هاست که ذهنیت جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران را به‌خود مشغول کرده است و هنوز پاسخی برای آنها ارائه نمی‌شود.

رحمت‌الله فتاحی

سر دبیر